کافه کتاب

یادداشتی بر مجموعه داستان «یک روز مناسب برای شکار قورباغه»

کابوس‌هایی از جنس تنهایی

احمد اکبرپور

رضا زنگی‌آبادی با رمان «شکار کبک» توانست در جمع فینالیست‌های جایزه بنیاد گلشیری قرار بگیرد و در جشنواره‌های متعددی مورد توجه و التفات منتقدان قرار گیرد. رمان شکار کبک با زبان و نوع روایتی الهام گرفته از فضاهای بومی توانست نوع نوشتاری خاص خود را بیابد و هوشمندانه از زبان رایج و معیار فاصله بگیرد.

در مجموعه داستان «یک روز مناسب برای شکار قورباغه» دغدغه‌های اجتماعی و توجه به مسائل روان‌شناختی شخصیت‌ها کاملا آشکار است و نویسنده سعی می کند از روزنی ادبی به آنها بپردازد. در داستانی به همین نام، خانواده‌ای متمول و صاحب‌نام با آلزایمر پدر چنان دچار مشکل می‌شوند و پیرمرد چنان پرستیژ اجتماعی آنها را لکه‌دار می کند که به‌گونه‌ای کم‌کم و به ناچار طناب دار او را در ذهن خود می‌بافند. تجربیات زنگی‌آبادی در کارگردانی فیلم در نوع نوشتن او تاثیر مثبتش را گذاشته است و نوع نگاه بیرونی و بی‌طرف او را به معرض نمایش می گذارد. شخصیت‌های او خودشان را به معرض نمایش می‌گذارند و ما شرایط و افکار و ذهنیت‌های آنها را درمی‌یابیم تا درنهایت مخاطب به یک نوع قضاوت و احیانا همدردی با آنها برسد. «دریاها دورند» یکی از نمونه‌های موفق چنین نگاهی است. نویسنده از زاویه دید سوم‌شخص محدود با زنی شهرستانی همراه می‌شود که در غوغای پایتخت متوجه می‌شود کیف پول و وسایل همراهش به یغما رفته است. نویسنده به خوبی دلهره‌ها و تلواسه‌های یک زن را در غربت یک روزه پایتخت به خوبی نشان داده است و چشم‌هایی که از دید زن هر کدام با انگیزه‌ای متفاوت به سوی او خیره شده است. شخصیت‌های داستان آنجایی که با شناخت نزدیک‌تر و تجربی‌تر نویسنده عجین شده‌اند جان‌دارتر و باورپذیرتر از آب درآمده‌اند و مخاطب می‌تواند با تمام دلمشغولی‌های آنها احساس نزدیکی و همراهی کند. در واقع در داستان‌هایی که علاوه‌بر توصیف شخصیت‌ها، مکان‌ها هم به خوبی تشخص خود را پیدا می کنند، داستان‌ها با سهولت بیشتری با مخاطب ارتباط برقرار می کنند. در چنین داستان‌هایی فضاهای بومی به اتمسفر داستان حال و هوایی خاص و ویژه می‌بخشند و در ذهن مخاطب جا خوش می کنند. «رعنا وقتی که خواب است» یکی از بهترین داستان‌های این مجموعه از چنین منظر و دیدگاهی نوشته شده است. «فاصله شهداد تا کرمان تونل تاریک و بی‌انتهایی شده است که به هیچ روشنایی ختم نمی‌شود. به هیچ چیز نمی‌توانم فکر کنم. تنها شده‌ام، تنها مثل لحظه‌های آخر چه‌گوارا در بولیوی...» فضای رشد و نمو شخصیت‌ها به مکانی خاص محدود نمی‌شود و از دل کرمان و شهداد و بندرعباس و لنگه تا آغوش باز و بلعنده پایتخت ادامه دارد. در واقع مسائل و مشکلاتی که همه این مکان‌ها را به هم ربط می‌دهد تنهایی و تلاش برای فهم این موقعیت است و ربطی به روستایی‌نویسی و شهرنویسی که این روزها به اشتباه باب شده ندارد. نکته‌ای که داستان‌های این مجموعه را به همدیگر ربط می‌دهد پایان غیرمنتظره و باز آنهاست تا داستان‌ها در ذهن مخاطب به رشد و شکوفایی و کمال خود ادامه دهند. داستان‌ها پایان بسته‌ای ندارند تا برای ذهن مخاطب تعیین تکلیفی کنند. هرچند در مواردی ما به احتمال زیاد می‌دانیم که قرار است چه اتفاقی بیفتد اما امکان حوادثی دیگر نیز در ذهن به‌وجود می‌آید یا شکل اتفاقی که می‌دانیم مهم می‌شود و چگونگی آن نیز به عهده تخیل مخاطب می‌افتد تا سپیدخوانی‌های متن را کامل کند. مجموعه داستان یک روز مناسب برای شکار قورباغه در هزار نسخه و به وسیله نشر پیدایش در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. این نشر که عمده شهرتش را مدیون چاپ آثاری برای کودکان و نوجوانان است، به تازگی چاپ آثار بزرگسالان را به نحو گسترده‌ای آغاز کرده است.

جشنواره

مرور فیلم‌های کوتاه بیضایی، تقوایی و مکری در جشنواره سی و یکم فیلم کوتاه تهران

فرهیختگان: تهران این روزها با آغاز سی و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران حال و هوای خوبی برای فیلم کوتاه‌سازان دارد. این جشنواره که دیروز افتتاح شد، امسال میزبان ۳۳۶ فیلم از ۳۳ کشور جهان است. ۱۸۲ عنوان در بخش ملی، ۱۰۴ عنوان در بخش بین‌الملل، ۳۷ عنوان در بخش‌های جنبی و ۱۳ فیلم دیگر در بخش بزرگداشت طی پنج روز در چهار سالن پردیس سینمایی ملت به روی پرده می‌روند. هر روز در پنج سانس مختلف، فیلم‌های ایرانی و خارجی به نمایش درمی‌آیند. فیلم‌های ایرانی نمایش داده شده در جشنواره فیلم کوتاه تهران در دو روز و زمان مختلف اکران می‌شوند تا علاقه‌مندان مجال بیشتری برای تماشای این فیلم‌ها داشته باشند. حضور فیلم کوتاه «خانواده ورمیر» از تولیدات کشور آمریکا و برنده اسکار دانشجویی، در جشنواره فیلم کوتاه تهران یکی از قوت نقاط جشنواره امسال است. از دیگر فیلم‌های شاخص بخش بین‌الملل باید به فیلم کوتاه داستانی «محل اعتراف در کلیسا» اشاره کرد که دارای سه جایزه جهانی از ایتالیا، هندوستان و انگلستان است. پویانمایی «سمفونی شماره ۴۲» محصول کشور مجارستان و برنده چهار جایزه بین‌المللی از جشنواره‌های بوداپست، بلاروس، لیسبون و چین نیز از دیگر فیلم‌های حاضر در این جشنواره است. پویانمایی «برگ‌های پاییز» که تا به حال هشت جایزه معتبر از جشنواره‌های فیلم کوتاه در کشورهای اسپانیا، فرانسه، بوسنی، آمریکا، کره، ژاپن و آرژانتین دریافت کرده نیز در این جشنواره به اکران عمومی درخواهد آمد. ۳۷ فیلم منتخب نیز در جشنواره فیلم کوتاه تهران به نمایش درمی‌آید که از این میان ۳۴ فیلم در بخش ملی و سه فیلم از بخش بین‌الملل هستند. این فیلم‌ها شامل شش فیلم برگزیده جشنواره فیلم کوتاه قرآنی، هشت فیلم منتخب پنجمین جشن فیلم کوتاه خانه سینما، هفت فیلم از بخش آثار کوتاه خاطره‌انگیز نسل قدیم فیلمسازان کشور (آثاری از بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، سهراب شهیدثالث، شاپور قریب و...) و هفت فیلم از جشنواره دانش‌آموزی است. مرور فیلم‌های کوتاه فرهادمهران فروشهرام مکری از جمله اتفاق‌های خوب جشنواره امسال فیلم کوتاه است.

خبرچین

رکوردشکنی در حراج ساتبیس دوحه

هنرآنلاین: حراج هنر معاصر ساتبیس دوحه دیشب رکورد هفت میلیون دلاری سال گذشته خود را شکست و با رقم هشت میلیون دلار به کار خود پایان داد. در این حراج که نام‌های بزرگی همچون دیمین هرست، آنیش کاپور و تریسی امین وجود داشتند، هنرمندان ایرانی توانستند رکوردهای قابل توجهی را به نام خود ثبت کنند. علی بنی صدر هنرمند ایرانی مقیم آمریکا در این نمایشگاه پس از اثر «بدون عنوان» آنیش کاپور که به مبلغ یک میلیون و ۵۹۵ هزار دلار رکورددار این دوره از حراج شد، با فروش ۵۵۷ هزار دلاری در جایگاه پنجم ایستاد.

فیلمی که پرستویی در آن سه شبانه‌روز نخوابید در گفت‌وگو با مسعود امینی تیرانی

بازی در موقعیت غیرقابل پیش‌بینی

نمایی از فیلم «بیداری برای سه روز»

بهاءالدین مرشدی

بالاخره اکران‌های گروه سینمایی «هنر و تجربه» کار خود را با فیلم‌های تجربی آغاز می کند تا شاهد اکران فیلم‌هایی باشیم که تاکنون نتوانسته‌اند در چرخه اکران سینمای ایران قرار بگیرند؛ فیلم‌هایی که وجه غالب کارشان تجربی بودن‌شان است. فیلم «بیداری برای سه روز» را مسعود امینی تیرانی ساخته و پرویز پرستویی در آن ایفای نقش کرده است. مسعود امینی از اکران «هنر و تجربه» و حضور پرستویی در فیلمش در آستانه اکران این فیلم‌ها می‌گوید.

■ فیلم شما جزء اولین فیلم‌هایی است که در «هنر و تجربه» اکران می‌شود. این سرگروهی چه کمکی می‌تواند به سینمای تجربی کند؟

هر امکانی که فراهم شود تا بخشی از این تجربیات که در محدوده معمول سینما قرار نمی‌گیرد نشان داده شوند قاعدتا قدمی مثبت برای دیده شدن این نوع فیلم‌ها است. هر سال تعدادی از فیلم‌هایی که تجربیاتی را در زبان سینما ارائه می‌دهند، تولید می‌شود، اما این فیلم‌ها به‌طور معمول به دلایل مختلف امکانی برای دیده شدن‌شان فراهم نمی‌شود. یکی از دلایل این است که اکران سینمای ما دارای شرایط قدیمی است و به روز نشده، با تعداد محدود سالن‌های سینما که باعث می‌شود به بحث تجربه‌های زبانی سینما توجه نشود. همه این دلایل باعث می‌شود این فیلم‌ها امکان دیده شدن نداشته باشند. کسانی هم که این فیلم‌ها را می‌سازند شاید خیلی به این موضوع توجه نکنند تا این فیلم‌ها با اکران گسترده روبه‌رو شود. لازم است شرایطی در شکل‌های مختلف، متفاوت و متنوع فراهم شود تا این فیلم‌ها با مخاطبانی که دوست دارند این تجربیات را ببینند روبه‌رو شود. اگرچه در سال‌های مختلف و به شکل‌های متفاوت در مورد این مسائل درباره‌شان صحبت شده است ولی به نظر می‌رسد فعلا به مرحله‌ای رسیده که ستاد لازم تشکیل شده و اتفاق جدیدتری در حال رخ دادن است که از این نظر قدم مهمی است و امیدواریم مستمر و مثمر باشد.

■ شما به استمرار این حرکت اشاره می‌کنید. چه اتفاقاتی باید رخ دهد تا این حرکت استمرار داشته باشد، این در حالی است که این حرکت در سال‌های گذشته هم اتفاق افتاده اما ادامه پیدا نکرده است.

دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل آن، این است که نگاه معمولی به فیلم‌هایی که در سینماها اکران می‌شود به این فیلم‌ها نشود. به نظرم بسیاری از فیلم‌هایی که در اکران معمول سینمای ایران قرار می‌گیرند و اکران می‌شوند وقتی همه هزینه‌ها و درآمدهای‌شان محاسبه شود، می‌بینیم تقریبا بسیاری از فیلم‌ها سودده نیستند و می‌توانند شرایط حداقلی هزینه‌های‌شان را جبران کنند. باید متوجه باشید که فیلمی که زیاد می‌فروشد قاعدتا باید هزینه ۵۰۰ میلیونی داشته باشد تا با فروش سه میلیارد سودآور شود. اما فیلمی که برایش ۱۲ میلیارد هزینه شده است و پنج میلیارد فروش در سینماها و همچنین بسیاری هزینه‌های پنهان دارد که هیچ‌گاه در سینما حساب نمی‌شود، عملا جزء فیلم‌های زیان‌ده است. با این دیدگاه اگر به این دسته از فیلم‌های هنری و تجربی نگاه شود و بخواهیم به این گونه آنها را هم حساب کنیم ممکن است به نظر برسد این فیلم‌ها زیان‌ده هستند اما به اعتقاد من این نوع فیلم‌ها بخشی از سرمایه‌های سینمای ما به شمار می‌روند. ممکن است درآمد حداقلی داشته باشند ولی توجه و حمایت از این فیلم‌ها باعث می‌شود فیلم‌های متنوع‌تری در بدنه اصلی سینما شکل بگیرد. تا زمانی که بدنه مدیریتی دنبال این نوع دیدگاه باشد که «آ» تومان هزینه شده و «ب» تومان از فروش این فیلم‌ها به دست آمده این نوع نگاه، به شکست منتهی می‌شود.

آقای پرستویی و خانم گلستانی یک هوشمندی بزرگ و در عین حال جسارت داشتند که پذیرفتند در یک موقعیت غیرقابل پیش‌بینی در مقابل دوربین قرار بگیرند

نکته دیگر اینکه لازمه این نوع اکران فیلم‌های تجربی این است که در اتمسفر قرار گیرند. این اتمسفر شامل فضای مجازی، گفت‌وگوها، دعوت از مخاطبان خاص، انتشارات خاص و ادبیات همراه‌شان است تا تبدیل به یک جریان شوند و به نظر برسد در آن اتمسفر دارند جواب می‌دهند. با نگاه حداقلی که در یک یا پنج سالن، ۱۰۰ نفر به تماشای این فیلم‌ها بیایند و بعد بخواهیم محاسبه کنیم که این ۱۰۰ نفر آیا سودده بوده یا نبوده‌اند، واضح است که خیلی از این فیلم‌ها به دلایل مختلف فروش بالایی نخواهند داشت. از نظر من اینها دلیل بدی برای اکران نیست، چون ۷۰ درصد فیلم‌هایی هم که در سینمای اصلی اکران می‌شوند، چنین وضعیتی را دارند، پس چرا در مورد آنها چنین مقایسه‌ای نمی‌شود و با این دید به آنها نگاه نمی‌کنیم.

■ به نظر شما آسیب‌هایی که اکران «هنر و تجربه» با آن دست به گریبان است، چیست؟

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایش این است که سال آینده به دلیل اینکه دولت امتیازهایی برای این نوع اکران در نظر گرفته بخشی از بدنه سینما برای این بخش فیلم تولید کند. یعنی اصالت‌های اصلی زبان سینما که باید به شکل ناخودآگاه و خودجوش رخ دهند به فیلم‌های سفارشی تبدیل شوند که اصالت تجربه را ندارند و در نتیجه تنها برای استفاده از امتیازهای این بخش ساخته می‌شوند. این آسیب باعث می‌شود فیلم‌ها به مرور سیر نزولی پیدا کنند. این موضوع را به این دلیل می گویم که مدیریت سال‌های قدیم ما همیشه این مساله را همراه خودش داشته و بدنه مخاطبان و مطبوعات هم به آن دامن زده‌اند که در نتیجه بسیاری از عناوین و مفاهیم ساخته می‌شوند ولی به شکل بد و بالطبع به ضدارزش تبدیل می‌شوند. مثل سینمای معناگرا که زمانی تجربه خوبی درباره آن اتفاق افتاد ولی وقتی تبدیل به توصیه شد تا این نوع فیلم‌های معناگرا ساخته شوند در سال‌های بعد باعث شد فیلم‌هایی تولید شوند که اصلا معناگرا نباشند و در نتیجه تبدیل به ضد ارزش شوند و نگاه منفی روی آنها باشد. باید از این مساله جلوگیری شود که سال آینده به دلیل امتیازهایی که داده می‌شود به این دلیل این نوع فیلم‌ها تولید نشوند.

■ در اکران «هنر و تجربه» فیلم‌های مستند و کوتاه هم راه پیدا کردند، آیا واقعا این گونه فیلم‌ها هم باید در این حوزه قرار گیرند یا باید یک دسته‌بندی جداگانه و شرایط اکران دیگری برای آنها فراهم شود؟

قاعدتا این فیلم‌ها هم حق دیده شدن دارند. چرا نباید شرایطی برای دیده شدن فیلم‌های کوتاه و مستند یا تجربی مهیا شود؟ همه این فیلم‌ها حق دارند که دیده شوند. این حق ممکن است یک اکران محدود باشد یا یک اکران بزرگ. حالا اینکه این‌ها کنار هم قرار بگیرند یا نه و اینکه برنامه‌ریزی اکران این نوع فیلم‌ها دارای اشکال هست یا نیست بحث دیگری است که من ترجیح می‌دهم درباره آن صحبت نکنیم و امیدوار باشیم که قدم‌های مثبتی که برداشته‌اند ادامه پیدا کند و کمک کنیم تا شکل‌های جدیدتر و به‌روزتر و بدون اشکال ایجاد شود.

■ شما از سینمای تجربی به گونه‌ای صحبت می‌کنید که این نوع فیلم‌ها در زبان سینما تجربه‌های متفاوتی ارائه می‌کنند. با فیلم «بیداری برای سه روز» چه تجربه‌ای در زبان سینما داشته‌اید؟

وقتی از یک کار تجربی صحبت می‌شود شاید خیلی با صراحت نتوانیم درباره‌اش حرف بزنیم که چه اتفاقی به لحاظ تجربی رخ می‌دهد؛ مجموعه تجربیات است. در «بیداری برای سه روز» به نظرم تجربه‌ای که تا به حال رخ نداده بود در بازیگری بود. گروه تولید، کارگردانی و بازیگران سه روز در کنار هم قرار گرفتند و همه واکنش‌هایی که نسبت به هم داشتند بخشی از بدنه فیلم را شکل داد. می‌شود گفت در همان زمانی که فیلمنامه نوشته می‌شد همزمان اجرا هم می‌شد و فاصله‌ای بین این دو وجود نداشت. شاید تلاش دوباره‌ای برای این رخ داد که به واقعیت دوباره نگاه کنیم و فکر کنیم چطور می‌شود آن بخش از درام واقعی‌ای که در زندگی با آن روبه‌رو هستیم به شکل بداهه مقابل دوربین رخ دهد و همزمان داستانی ساخته شود. به نظرم این یکی از نکات بود و همچنین تجربه فرم، فیلمبرداری، نقش و موقعیت‌ها و تجربه کارگردانی‌ای که برای من داشت، چالشی که در موقعیت با خود فیلم داشتیم و... می‌تواند تجربیات زبانی این فیلم به شمار برود. اینها در کنار این بود که ما به یک مفهوم و زبان مشخص فکر می کردیم و من دلم نمی‌خواست آن مضمون و مفهوم به شیوه معمولی که سینما با آن روبه‌رو می‌شود ساخته شود. دلم نمی‌خواست به سمت سینمایی که قصه جای دیگری نوشته می‌شود و بعد ساخته می‌شود بروم. می‌خواستم به آن مضمون به شیوه جدیدی نگاه شود.

■ در یک فیلم تجربی از یک بازیگر حرفه‌ای سینما استفاده کرده‌اید؛ پرویز پرستویی در یک کار تجربی بازی کرده است. واکنش او در این فیلم چه بود و چقدر در ساختار کلی فیلم با مسیر هماهنگ بود؟

آقای پرستویی و خانم گلستانی یک هوشمندی بزرگ و در عین حال جسارت داشتند که پذیرفتند در یک موقعیت غیرقابل پیش‌بینی در مقابل دوربین قرار بگیرند. ممکن است همه وقتی درباره فیلم حرف می‌زنند بیداری سه روزه مهم‌ترین نکته کار باشد. ولی همه جا گفته‌ام که این یک تجربه فیزیکی بود که آیا می‌توانند سه روز پشت سر هم بیدار بمانند یا نه. اما چیزی که خیلی مهم‌تر بود پذیرش این موقعیت بود که یک بازیگر بدون متن و بدون همه چیزهایی که لازم دارد مثل دیالوگ، میزانسن، دکوپاژ، کارگردان و... و به شکل بداهه در لحظه و در موقعیتی که خلق می‌شود که غیرقابل پیش‌بینی است و دیگر نمی‌داند در ابتدا، میانه و پایان فیلم چه اتفاقی رخ می‌دهد، بازی کند و این جسارت بزرگی لازم داشت. از این نظر خیلی خوشحالم و شانس داشتم که آقای پرستویی پذیرفتند در چنین موقعیتی قرار بگیرند.

روی خط

تغییرات جشنواره فیلم فجر از زبان دبیر جشنواره

رضاداد: بازارهای جهانی وسعت پیدا نکرده

گروه ادب و هنر: علیرضا رضاداد برای دومین سال متوالی دبیری جشنواره فیلم فجر را به عهده گرفت. بر همین اساس دست به تغییراتی در نحوه برگزاری این جشنواره زد تا بتواند کیفیت برگزاری آن را افزایش دهد. جدا کردن بخش بین‌الملل از بخش رقابتی فیلم‌های ایرانی و برگزار کردن بخش بین‌الملل در اردیبهشت ماه مهم‌ترین تغییر این دوره از جشنواره فیلم فجر است. رضاداد در گفت‌وگویی با مهر درباره لزوم این تغییر گفته: «تلاش مسئولان بخش بین‌الملل سینمای ایران در سازمان سینمایی غیر از دهه اول که توانستند سینمای ایران را به‌عنوان یک پدیده و کشف جدید به دنیا معرفی کنند، در دو دهه گذشته با سیر نزولی مواجه بوده است به این معنا که نه قدرت جلب مشارکت سینمای ایران با سینمای دنیا افزایش پیدا کرده و نه به وسعت بازارها افزوده شده است. رسیدن به این دو هدف در حوزه سینمای بین‌الملل از جمله دغدغه‌های مهم است. ضمن اینکه در طول این دو دهه نتوانستیم ذی‌نفعان و شرکای جدیدی برای سینمای ایران پیدا کنیم حتی این نسبت برای رقبای ما هم تعریف مشخصی ندارد.» رضاداد می‌گوید: «اگر جشنواره نتواند نقطه پرتابی برای معرفی آثار سینمای وطنی در دنیا باشد به تعریف جامعی از کارکردهای خود نخواهد رسید، بنابراین لازمه رسیدن به این مهم این است که فعالیت‌های بین‌الملل سینمای ایران و جشنواره فیلم فجر به نوعی پوست‌اندازی کند و از محرومیتی که بخش بین‌الملل در نتیجه نداشتن تولید مناسب با آن مواجه است، بیرون آید.»

انتقاد مهرجویی از دخالت‌های برخی گروه‌ها در اکران فیلم‌های سینمایی

اصلا به شما چه

گروه ادب و هنر: بعضی فیلم‌ها هم هستند که مجوزهای لازم برای اکران را دارند اما برخی گروه‌های سینمایی از اکران آنها سر باز می‌زنند. مساله‌ای که یکبار گریبان داریوش مهرجویی را گرفت و فیلم «سنتوری»اش را از اکران باز داشت. او که این روزها خودش را آماده می کند تا تازه‌ترین اثر سینمایی‌اش را تولید کند، درباره روند تولید فیلم در ایران به ایسنا گفته: «در سینمای ایران روند اینگونه است که هر کسی بخواهد فیلمی بسازد باید مراحلی را طی کند. نخست آنکه سناریوی خود را برای کسب پروانه ساخت ارائه دهد تا توسط اعضای شورای مربوط بررسی و تصویب شود. پس از آن و هنگامی که فیلم به‌طور کامل ساخته شد، مجوز نمایش داده می‌شود و بعد ممکن است در جشنواره نمایش داده شود و حتی جایزه هم بگیرد که این اتفاق هم با نظر هیات داوران رخ می‌دهد و مساله مهم‌تر این است که پای تمام این مجوزها مهر و امضای مدیران سازمان سینمایی وزارت ارشاد و کارکنان مربوط درج می‌شود.» اما او می گوید بعد از همه این مجوزهاست که در لحظه آخر که قرار است فیلم اکران شود عده‌ای مخالفت می کنند و همه امضاها و مهرها بی‌نتیجه می‌ماند. او درباره این مشکل گفته است: «اگر یک سناریو مشکل دارد، باید از همان ابتدا گفته شود که مشکل چیست تا آن را حل کنند، اما وقتی مُهرتاییدی به آن زده می‌شود باید آن را قبول داشته باشند، چون بی‌اعتنایی به این امضاها بی‌احترامی و توهین به کارمندانی است که آن را به دقت بررسی کرده و نظر خود را بیان کرده‌اند.» بنابراین او می گوید باید وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد مشخص شود. او می گوید: «آنقدر همه چیز در هم و برهم شده که هر کسی می‌تواند اظهارنظر کند و انگار کسی نیست که به اینها بگوید اصلا به شما چه؟ مگر تخصص دارید که درباره کیفیت یا نمایش دادن فیلم‌ها اظهارنظر می کنید؟ این در حالی است که هر کسی در حوزه خود وظایفی دارد و باید در همان حیطه مشغول به کار باشد.» مهرجویی بر این باور است که باید تمام تصمیمات در حوزه وزارت ارشاد گرفته شود و نهادها و وزارتخانه‌های خارج از این وزارتخانه نمی‌توانند در این تصمیمات دخالت کنند. او می گوید: «همان‌طور که وزارت فرهنگ و ارشاد هیچ‌گاه در کار وزارتخانه‌های دیگر دخالت نمی کند و مثلا هنگام فروریختن یک پل یا پیدا شدن حفره‌ای در اتوبان اظهارنظر یا اقدام به اخراج پیمانکار نمی کند.»

رونمایی از «پنج اقلیم حضور» نوشته داریوش شایگان

نبوغ گرانمایه شاعران

گروه ادب و هنر: صدوهفتادویکمین شب از شب‌های مجله بخارا که به رونمایی از کتاب «پنج اقلیم حضور» نوشته داریوش شایگان اختصاص داشت، برگزار شد. بهاءالدین خرمشاهی درباره این کتاب گفت: «این کتاب به این می‌پردازد که چگونه ما مخاطب دائمی شعر هستیم و می‌دانید که پنج شاعری که در این کتاب مطرح شد، کدامند. استاد شایگان در این کتاب بسیار استادانه به این پنج شاعر پرداخته است و به‌ویژه من از بخشی که از سعدی سخن می گوید بسیار لذت بردم و به رسم همیشه رباعی ساخته‌ام که در پایان سخن برایتان می‌خوانم: «این نقد ادب نه رایگان می‌آید/نه از نوک قلم، میان جان می‌آید/در فلسفه شعر قلم کم‌زده‌اند/این گونه بیان از شایگان می‌آید». محمود دولت‌آبادی نیز درباره ویژگی‌های این کتاب گفت و بخش‌هایی از کتاب که مربوط به خیام است را برای حاضران خواند. در ادامه این نشست داریوش شایگان درباره کتاب «پنج اقلیم حضور» گفت: «بیش از هر چیز باید صمیمانه اعتراف کنم که در زمینه ادبیات ایران خود را خبره و متخصص نمی‌دانم. شالوده این مقالات، براساس زاویه دید من نسبت به خصلت شاعرانگی ایرانیان پی‌ریزی شده است، بر محور این پرسش که ارج و منزلت ایرانیان در قبال بزرگان ادب‌شان حاصل چه برداشتی است؟ پیوند و ارتباط درونی این مردم با شاعران بزرگ‌شان از چه سنخ است که چنین به اعماق سرشت‌شان رسوخ کرده و سایه‌ای سنگین بر کل جهان‌بینی آنان افکنده است؟ غرض از این قلم‌فرسایی، سنجش و تحلیل ارتباط ایرانیان با شاعران ارجمندشان است، بالاخص آنان که طی قرون و اعصار به پایگاهی اساطیری اعتلا یافته‌اند. ایرانیان مقهور و محسور نبوغ گرانمایه شاعران‌شان، دمی از حضور فعال آنان نمی‌مانند، حضوری که نشانه‌هایش را در گوشه گوشه زندگی هر ایرانی و در زوایای مختلف روحی او می‌توان یافت.» شایگان در ادامه به نقل خاطره‌ای پرداخت: «به یاد دارم در سال ۱۳۴۲، همسر نیکوس کازانزاکیس نویسنده معروف یونانی، در ایران میهمان من بود و در سفری که به شیراز داشتیم پس از بازدید از مقبره سعدی و حافظ، با تأثر و شیفتگی بسیار سخنی گفت که هرگز فراموشش نکردم. او گفت، من در هیچ کجای دنیا ندیده‌ام که مزار و مقبره یک شاعر بزرگ، زیارتگاه مردم باشد! شاید شما تنها ملتی باشید که با شاعران‌تان چنین ارتباط معنوی عمیقی دارید و چنان ارجی برایشان قائلید که حضوری مدام در زندگی شما دارند.»

خط داغ

■ **ایسنا:** گیتی خامنه، مجری قدیمی برنامه‌های کودک تلویزیون از حضور در شبکه پویا خبر داد و گفت: «به‌زودی با قصه‌های «آبی‌تر از رویا» به شبکه پویا می‌آیم. خوشحالم که دوباره با بچه‌ها همراه می‌شوم.» «آبی‌تر از رویا» یک کار تلفیقی برای کودکان است که در ۲۶ قسمت ۱۳ دقیقه‌ای طراحی شده است. مراحل دکوپاژ این برنامه انجام شده و بخش تصویرسازی آن نیز در حال انجام است که تا اول فروردین ماه سال ۹۴ در عید نوروز پخش خواهد شد.

■ **مهر:** کتاب «عکس‌های انقلاب» مریم زندی پس از گذشت شش سال انتظار، سرانجام مجوز انتشار دریافت کرد. مریم زندی از جمله عکاسانی بوده که از روزهای انقلاب اسلامی ایران عکاسی کرده است، اما نتوانسته بود حاصل کارش را از روند پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ تاکنون به دلایل مختلف منتشر کند. به‌تازگی شنیده شده که این کتاب سرانجام مجوز چاپ دریافت کرده و به‌زودی منتشر و روانه بازار می‌شود.

■ **فرهیختگان:** در پی استقبال مخاطبان شهرهای مختلف ایران از موسیقی-نمایش «ترانه‌های قدیمی» به کارگردانی محمد رحمانیان، تور این موسیقی-نمایش پس از اجرای موفق در شهرهای شیراز، مشهد و تهران سرانجام به اصفهان رسید. این موسیقی-نمایش روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه هفته بعد؛ یعنی ۲۹ و ۳۰ مهر ۱۳۹۳ در دو نوبت ۱۹ و ۲۱:۳۰ در تالار هنر اصفهان برای هموطنان ساکن اصفهان روی صحنه می‌رود.

نشست

با امضای تفاهمنامه بین خانه هنرمندان ایران و میراث فرهنگی

خانه‌های قدیمی به خانه هنرمندان تبدیل می‌شوند

فرهیختگان: دیروز در خانه هنرمندان تهران تفاهمنامه همکاری مشترک صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی میراث فرهنگی و وزارت راه و شهرسازی امضا شد تا با این تفاهمنامه خانه هنرمندان در استان‌ها و شهرستان‌های دیگر کشور ایجاد شود. قرار است با تاسیس خانه هنرمندان در استان‌های دیگر مسائل صنفی هنرمندان در شهرستان‌ها به‌طور جدی‌تر پیگیری شود و با فعال شدن این خانه‌ها، تمرکززدایی از پایتخت در موضوع هنر نیز شکل بگیرد. مجید سرسنگی مدیرعامل خانه هنرمندان ایران در نشستی که دیروز با اهالی رسانه برگزار کرد، یکی از دلایل ایجاد خانه هنرمندان در استان‌ها را دسترسی آسان هنرمندان در استان‌ها به امکانات دانست و گفت: «هنر در شهرستان‌ها کمرنگ شده است و هنرمندان امکانات لازم را ندارند. این دو مورد لطمه و ضربه زیادی به کل فرهنگ کشور زده است.» سرسنگی در مورد اساسنامه امضا شده با میراث فرهنگی گفت: «در این اساسنامه، محورهای فعالیت خوبی برای خانه هنرمندان تدوین شده است. یکی از بندهای کار ما فعالیت صنفی در جهت حمایت و کمک‌رسانی به هنرمندان است.» سرسنگی در ادامه به پیگیری خانه هنرمندان تهران برای پروژه مسکن هنرمندان اشاره کرد و گفت: «خانه هنرمندان ایران به کمک شهرداری تهران زمینی را در منطقه ۲۲ در اختیار گرفته و این اولین پروژه جدی مسکن برای هنرمندان است که طبیعتا احتیاج به پیگیری دارد.» مدیرعامل خانه هنرمندان ایران در مورد مدیریت خانه هنرمندان در استان‌ها گفت: «نکته اصلی و مهم این است که برخلاف رویه پیشین که یک عده در مرکز می‌نشینند و برای همه در همه کشور تصمیم گیری می کنند بدون اینکه شرایط اقلیمی و فرهنگی و جامعه‌شناختی و روان شناختی آن منطقه را بررسی کنند و حتی امکانات و پتانسیل‌هایی که در منطقه است، ما قرار نیست آن کار را انجام دهیم؛ در واقع قضیه برعکس است یعنی استان‌هایی که هنرمندان‌شان بتوانند با هم به توافق برسند و گرد هم جمع شوند و در خودشان این آمادگی را ببینند که خانه‌ای به اسم خانه هنرمندان آن استان را ایجاد کنند، پیشنهاد می‌دهند و ما ورود می کنیم و تجربه و امکانات خودمان را در اختیارشان می گذاریم.» بنابر گفته سرسنگی سنندج، شیراز و سمنان سه استانی هستند که به‌زودی در آنها خانه هنرمندان با همکاری فرمانداری و شهرداری دایر می‌شود.